



امیرنامینی

«اقتصاد نفتی کشور X پاره‌های زیاد، پرهزینه و مضرری را به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان می‌دهد. بخش بانکی ناکارآمدی دارد. در مسیر خصوصی‌سازی و تجاری‌سازی مداوم سنگ‌اندازی می‌شود و خصوصی‌سازی‌ها عمدتاً شکست می‌خورند. فساد سازمان‌یافته بوروکراتیک به نفع گروه‌های خاص فعال است. میان‌مایه‌سالاری راه را بر شایسته‌سالاری تنگ کرده است. روابط فامیلی برندگان و منتخبان سیاسی جای شایسته‌سالاری را گرفته و استخدام در بخش‌هایی از دولت فقط براساس روابط خانوادگی و سیاسی انجام می‌شود. بخش بزرگ دولتی منافع را به کارکنان ناکارا و با بهره‌وری پایین هدیه می‌دهد. رژیم تعرفه‌ای به نفع واردکنندگان خاص طراحی شده و در برابر هر تغییری مقاومت می‌کند. سیاست‌مداران در هر دوره سیاسی حساب‌های بانکی خود در سوییچ را پر می‌کنند. به محض تصمیم‌گرفتن برای هدفمندسازی پاره‌ها و اصلاح قیمت بنزین و حامل‌های انرژی، آشوب اجتماعی درمی‌گیرد و اصلاحات در بخش گمرک حتماً با شکست مواجه می‌شود. در یک کلام همه در اوایل قرن جدید میلادی این واژه را درباره کشور X می‌گفتند: اصلاح ناپذیر و یاس آور». شاید تصور شود جای X را می‌توان با نام «ایران» یا نام بسیاری از کشورهای نفتی و درگیر بدهی «نفرین منابع» پر کرد؛ ولی متن فوق شرح حال کشور «نیجریه» است که در کتاب معروف «اصلاح اصلاح ناپذیرها؛ درس‌هایی از نیجریه» به قلم اوکونجو (وزیر اقتصاد وقت نیجریه) به آن پرداخته شده است. کشوری که تا اواسط دهه اول قرن جدید وضعی به غایت اسفبار به قرار فوق داشت. ولی به تدریج در مسیر بهبود قرار گرفت؛ هرچند آنجا نیز اقتصاد مستعد و آماده جیش کشور در چنبره سیاست گرفتار شده و کلاف درهم‌تنیده چالش‌ها و بحران‌های سیاسی همچنان باز نشده باقی مانده است.

به مناسبت هفته دولت

هدیه‌ای از جنس نقد (۵)



سیدمحمدعلی ابطی

جناب آقای جبلی، ریاست محترم سازمان صداوسیما، شما در دولت از دوزیستان هستید؛ هم عضو دولتید، هم مستقل، به‌عنوان عضو دولت هدیه من را بپذیرید. شما در شرایط سخت و پریحرائی مدیریت کردید. در جنگ ۱۲ روزه جانیکارانه رژیم صهیونیستی و آمریکا، وقتی ساختمان شیشه‌ای مورد هجوم قرار گرفت، همه در کنار شما و کارمندان آسیب‌دیده آن سازمان بودند. احیای دوباره و بدون وقفه آنتن صداوسیما و رسیدگی به مشکلات کاری پس از بمباران، کاری سنگین و ستودنی بود. بعد از جنگ و به دلیل عملکرد جناحی آنتن، خیلی‌ها از جناح‌های مختلف خواستار تغییر شما بودند. انتظار بیجایی بود؛ رئیس سازمانی را که زیر بمباران مستقیم دشمن بوده، وسط جنگ عوض نمی‌کنند. من چون رسانه را می‌شناسم و بازنشسته همان سازمانم، برخلاف تصور خیلی‌ها می‌دانستم که جبلی پشت میز بخش نشسته تا همه خبرها و تحلیل‌ها را خودش ببیند و مراقبت کند.

۳۳
ادامه در
صفحه ۳

شنبه ۸ شهریور ۱۴۰۴
۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
۳۰ آگوست ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۱۹۲
۳۰ هزار تومان
صفحه ۱۲

روزنامه شرق

سیدمحمد بهشتی:
ایرانی‌ها برای سرزمینشان
پناه شدند

۱۲



در «شرق» امروز می‌خوانید: کدام فیلم ایرانی به اسکار می‌رود؟ • معاون امنیتی وزیر کشور: در جریان جنگ، شورای امنیت کشور یک روز در میان تشکیل جلسه داد • بودجه صداوسیما چگونه مصرف می‌شود؟/ قادر باستانی

چگونه تحریم‌های بین‌المللی اکوسیستم فناوری ایران را کوچک‌تر و منزوی‌تر می‌کند

جزیره دیجیتال در محاصره جهانی

معاون سیاست‌گذاری وزارت ارتباطات: قربانی موج جدید تحریم «زیرساخت نامرئی اعتماد دیجیتال» است

بررسی چشم‌انداز دیپلماسی هسته‌ای در پی درخواست اجرای مکانیسم ماشه
در شورای امنیت طی گفت‌وگوی «شرق» با کارشناسان

تهران و روز سی‌ام



این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید. متن: Gettyimages

یادداشت

اسنپ‌بک و میدان روایت؛ آزمون اعتماد و انسجام ملی

روایت و انسجام
مبنای انسجام ملی، قصه‌ای است که مردم باور کنند. اگر روایت روشن، شفاف و حقیقت‌محور از دل حاکمیت به جامعه نرسد، دیگران روایت خود را بر افکار عمومی تحمیل خواهند کرد. در آن صورت حتی حقیقت عینی هم توان رقابت با «حقیقت روایت‌شده» را نخواهد داشت. تجربه‌های گذشته نشان داده که فقدان روایت مشترک، به تضعیف امر سیاسی و فروپاشی کنش جمعی انجامیده است.

اسنپ‌بک در ظاهر یک سازوکار حقوقی برای بازگشت تحریم‌هاست، اما در واقع رخدادی چندوجهی است:

- در سطح حقوقی به معنای بازگشت محدودیت‌های بین‌المللی
- در سطح سیاسی بازتابی از آرایش قدرت علیه ایران

سه کشور اروپایی سازوکار اسنپ‌بک را علیه ایران فعال کردند. پرسش اصلی برای سیاست ایران این نیست که چه کسی ماشه را کشید، پرسش اصلی این است که ایران چگونه باید این رخداد را برای جامعه روایت کند؟ آیا ایران با تدبیر و آگاهی انتخاب کرد که مانع فعال‌شدن اسنپ‌بک نشود؟ آیا خواست مانع شود اما نتوانست؟ یا اینکه در بزنگاه تصمیم‌گیری دچار تردید و دودلی شد؟ در جهانی که امروز در آن زندگی می‌کنیم، واقعیت‌ها کمتر محصول رخدادهای عینی‌اند و بیشتر حاصل داستان‌هایی هستند که ذهن مردم را شکل می‌دهند. بنابراین مهم است که چه روایتی گفته شود و مهم‌تر آن است که مردم باورش کنند. بنابراین تقلیل ابعاد واقعیتی که مردم می‌بینند و می‌فهمند، همراه با تبلیغ فاقد اهمیت بودن رویدادی با اهمیت اسنپ‌بک، حتماً جز خسارت، اعتمادسوزی و انسجام‌زدایی به دنبال خواهد داشت.



روزبه کردونی

این طوری نمای خیلی بهتری دارد

یادم هست وقتی اولین سفارش کار را برای صفحه‌آرایی نشریه‌ای پذیرفتم، گمان می‌کردم می‌روم و از لوازم‌تحریری‌ها کاغذ لی‌اوت می‌خرم، ولی هیچ‌جا چنین کاغذی نبود. به نشریات رجوع کردم ولی هیچ‌کدام کاغذ لی‌اوت خود را در اختیار ما قرار ندادند. آخر کار، یکی گفت باید کاغذ لی‌اوت مخصوص خودتان را چاپ کنید که خود حکایتی دیگر بود و به یاد می‌آورم که تا آخرین سفارش نشریه‌ای که با دست انجام دادم، صفحات لی‌اوت بسیاری را برای کارهایی که تقبل می‌کردم، به چاپ رساندم و هنوز برای یادگار، از هرکدام آنها نمونه‌ای را در دفتر دارم و این فقط گام ابتدایی انجام یک کار نشر در حوزه کتاب و مطبوعات بود. فرزند دوستم یکی، دو هفته‌ای را که در آتلیه من گذراند، روزی دست از انجام کاری که به او سپرده بودم کشید و گفت می‌خواهم چیزی بگویم و ادامه داد...



مهرداد احمدی شیخانی

خیلی سال پیش، وقتی به‌تازگی دفتر کار خود را در حوزه خدمات نشر راه‌اندازی کرده بودم، یکی از دوستان، فرزند خود را به دفتر من آورد و از من خواست که برای مدتی او را به‌عنوان کارآموز در آتلیه گرافیک خود بپذیرم. در آن ایام کار آماده‌سازی کتاب و مطبوعات و کلا هر کاری در این حوزه، دستی انجام می‌شد و خیلی مانده بود تا کامپیوتر دنیای نشر و کلا دنیا را متحول کند. آن موقع هنوز حروف‌چینی سری و وجود داشت و کمی پیشرفته‌ترش این بود که متن با دستگاه تایپ و روی کاغذهای باریک و بلند چاپ می‌شد و ما آن کاغذها را که لوله شده بود، با قیچی می‌بریدیم و روی صفحاتی شطرنجی که به آن کاغذ لی‌اوت می‌گفتیم، با چسب می‌چسباندیم و جای عکس‌ها را با کشیدن کادر روی همان کاغذ لی‌اوت معلوم می‌کردیم و برای همین اصطلاح «چسب و قیچی» یک اصطلاح بسیار رایج در بین افراد این حرفه بود و تازه همین هم به این سادگی اتفاق نمی‌افتاد. مثلاً

۳۳
ادامه در
صفحه ۴

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از فقر و اضطراب مستاجران برای پیداکردن خانه به دلیل افزایش افسارگسیخته اجاره‌بهای مسکن

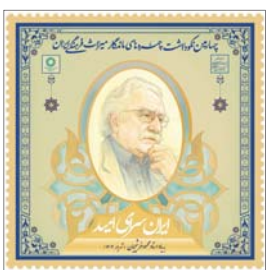
تنگدستی مداوم

ساختمان‌های اروپایی در قلب پایتخت اوکراین هدف حملات روسیه قرار گرفتند

دیپلماسی زیر آتش

۳ صنعت ارزآور کشور کاهش قابل‌توجه صادرات و سودآوری را تجربه می‌کنند

مصائب بزرگ صنایع بزرگ



آیین نکوداشت چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی ایران و بازگشایی دوباره موزه فرشچیان

از سوگ تا ستایش

- نقش پیش‌کسوتان در تداوم فرهنگی
- چهره‌های ماندگار میراث فرهنگی؛ روشنائی روح ایران و تداوم فرهنگ جاودان یادداشتی از سیدرضا صالحی‌امیری

دنیای این روزهای ما

بگو



رامین خسروخاور

پس از آنکه «بشنو» ما را فراخواند به شنیدن صداها، حتی در خلا،

و «ببین» دعوت‌مان کرد به دیدن آنچه چشم ظاهر نمی‌بیند،

اکنون نوبت «بگو» رسیده است؛ تا زبان بگشاییم،

و واژه‌ها را نه برای تکرار، که برای تغییر جاری سازیم.

نه آن گفتنی که تنها لب بجنباند، بلکه آن کلامی که از زرفای جان برمی‌خیزد.

بگو، نه برای صدا ساختن، که برای صدا شدن.

نه برای شنیده شدن، که برای فهمیده شدن.

«سخن کز دل برآید، لاجرم بر دل نشیند».

بگو یعنی عبور بگو که دیگر سکوت، سرشار از ناگفته‌ها نیست!

از مصلحت‌اندیشی سرد، از حاشیه امن سکوت.

بگو یعنی زنده‌کردن کلماتی که در حنجره وجدان خشکیده‌اند.

۳۳
ادامه در
صفحه ۱۰

و دولت گنار مردم
۱۳ ماه تلاش ۱۳ روز دفاع

هفته دولت گرامی باد

با هم بودنمان پیروزی است.